

رفیق هادی آزاد

رفیق هادی متولد اراک بود. 17 سال بیشتر نداشت. اما شور و عشق بزرگی در سر داشت. رفیق هادی، رفیقی پر شور و با استعداد و فعال بود و در حرکت عظیم کارگران و زحمتکشان کشورمان علیه رژیم سرمایه داری شاه شرکت فعال داشت. بعد از انتشار سلسله بحث های راه کارگر به سازمان ما پیوست و یکی از فعال ترین و پر شور ترین رفقای ما در اراک بود. او در پخش و تکثیر اعلامیه های راه کارگر، فروش نشریه، تبلیغ در مدرسه و خیابان و ... نقش فعالی به عهده داشت و زبانزد همه رفقایش بود. رفیق هادی به کوه و کوه نوردی علاقه وافری داشت و به اتفاق دوستان و رفقایش در اکثر جمعه ها به کوه می رفت، به خاطر روحیه پر شور و شاد و انقلابیش، هر جا که قدم می گذاشت، محیط را سرشار از شادی و امید می کرد و به مردم و رفقایش عشق می ورزید و حاضر بود برای آنان هر کاری انجام دهد.

رفیق هادی بعد از 30 خرداد 60، توسط آدم گُشان ولایت فقیه دستگیر شد و زیر شکنجه های اسلامی قرار گرفت، اما شکنجه های وحشیانه نتوانست روحیه رزمنده او را در هم بشکند. به خاطر این روحیه قهرمانانه بود که مقاومت و استواریش زبانزد همگان بود. رفیق در زندان نیز لحظه ای از فعالیت انقلابی و کمونیستی اش باز نایستاد و ارتباطش را با سازمان محبوبش حفظ کرد و توانست با ابتکار ظریفی، گزارش دقیقی از وضعیت زندان، برای تشکیلات ارسال کند.

یکی از رفقایمان در باره رفیق می نویسد: « در شرایطی که رژیم جنایت کار فقها هر روز صدها نفر از بهترین و آگاه ترین فرزندان انقلابی مردم را تیرباران می کرد و می کوشید با تیرباران های جمعی و شکنجه های وحشیانه اراده انقلابیون را در هم بشکند و زندانیان را مجبور به انجام به اصطلاح فرایض دینی کند، هادی به اتفاق دیگر رفقای همرزم و هم بندش، ضمن اعتراضات شفاهی، نامه معترضانه ای را با امضاء تسلیم مسئولین زندان می کنند و به این طریق عزم خود را در دفاع از دموکراسی و سوسیالیسم و مخالفت با رژیم ارتجاعی اسلامی اعلام می دارند».

بالاخره روز جمعه تاسوعای 60، رفیق هادی آزاد به اتفاق 14 تن از مبارزان راه آزادی تیرباران شد و جانش را نثار راه رهایی کارگران نمود.

هادی نمرده است! و در وجود ده ها و صدها کارگر و زحمتکش آگاه و رزمنده ای که هر روز به مبارزه روی می آورند، زندگی دوباره می یابد و بدین سان پرچمی که رفیق هادی با نثار خورش گلگون کرد، همیشه و در همه جا در اهتزاز خواهد بود.